

## نگاهی نو به تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در حالت اضطرار، از دیدگاه فقه امامیه\*

□ علیرضا نوروزی\*\*

### چکیده

تعالیم دین مبین اسلام با اسلام، توجه ویژه‌ای به این ابعاد نیز دارد. تحقیق حاضر در راستای بررسی ابعاد اقتدار اجتماعی مطلوب از منظر اسلام، و با توجه به تهدیدات وسیع مستکبرین از حیث نظامی که جامعه اسلامی با آن مواجه است، به جستاری پیرامون این مسئله پرداخته که در فرض اضطرار و استفاده دشمن از سلاح کشتار جمعی، و جهت مقابله به مثل، بازدارندگی، توقف دشمن تمام تاکید‌ی که بر اجرای عدالت و صلح دارد، اهمیت بسیاری برای جامعه قائل بوده، و برای برقراری عدالت، هر دو بستر فرد و اجتماع را در نظر می‌گیرد؛ و از آنجاکه در تحقق عدالت اجتماعی، دو عنصر قانون و اقتدار لازم است، آموزه‌های و حفظ آرامش جامعه، آیا استفاده از این سلاح‌ها، تولید و انباشت آنها جایز است یا خیر؟

این تحقیق با روش تحلیل مفهومی، گزاره‌ای و سیستمی به حلّ این مسئله پرداخته، و بر خلاف تحقیقات پیشین به این نتیجه رسیده است که ادله شرعی، دلالت بر جواز استفاده از این سلاح‌ها در صورت اضطرار دارد، و از این رو تولید و انباشت آن، به منظور اهداف اشاره شده مجاز است. کلیدواژه‌ها: سلاح کشتار جمعی، مقابله به مثل، اضطرار، بازدارندگی، آمادگی نظامی، فقه اجتماعی.

\*. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۲/۲۳ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۹/۱۴.

\*\*. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران (norozialireza276@yahoo.com).

## بیان مسئله

گرایش به صلح و آرامش از امور فطری بوده، و دین مبین اسلام، همسو با این امر فطری، صلح را مطلوب بالذات تلقی می‌کند؛ اما هم عقل و هم فطرت، در شرایطی خاص همانند دفاع از مزرهای اسلامی در برابر هجوم کفار، دفاع و جهاد را جایز بلکه لازم می‌داند. بی‌تردید جهاد در اسلام هرگز به منظور کشورگشایی و قدرت‌طلبی نبوده و نیست، بلکه برای اقامه توحید و عدالت و زدودن زنگارهای شرک و ظلم از مستضعفین تشریع شده است؛ و این امر، منافاتی با مطلوب بالذات بودن صلح در اسلام ندارد بلکه در راستای صلح بوده، و طریقی برای دستیابی به آن است. از این رو نمی‌توان حرمت جهاد را به عنوان اصل اولی در فقه اسلامی نتیجه گرفت؛ چراکه صلح و جنگ، دو موضوع مختلف‌اند، و هر کدام دارای شرایط خاص خود هستند.

برای پرداختن به این مسئله ابتدا دانستن موضع کلی اسلام پیرامون صلح و جنگ، ضروری می‌نماید، تا بتوان با انگاره‌ای صحیح از موضع اسلام در قبال این امور، به حل مسئله استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی پرداخت. مسئله این تحقیق پیرامون استفاده (همچنین تولید و انباشت) از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ با کفار در صورت اضطرار و اختیار است؛ ولی تمرکز این مقاله، بر فرض اضطرار می‌باشد، چراکه به نظر می‌رسد این فرض، بیشتر محل بحث و ابتلاء جامعه اسلامی معاصر است.

ثمره بحث به‌طور خاص در آنجا روشن می‌شود که بنابر پذیرش جواز در حالت اضطرار، ضروری است حکومت اسلامی، زمینه‌سازی لازم برای چنین وضعیتی احتمالی را تدارک ببیند؛ که شامل تولید و انباشت، و یا آمادگی کافی از لحاظ علمی و تکنولوژی برای تولید آن نیز می‌شود؛ که بسیار مورد ابتلاء جامعه حاضر است؛ و این امر، ضرورت تحقیق را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

پیشینه تحقیق: باتوجه به مستحدث بودن سلاح کشتار جمعی، این مسئله در کتب فقهی متقدم مشاهده نمی‌شود، ولی ایشان در کتب فقهی خود ذیل کتاب جهاد، به ابعاد و مسائل

مختلف این موضوع پرداخته‌اند (برای نمونه ر.ک: شیخ طوسی در النهایه؛ شهید ثانی در الروضة البهیه؛ محقق علی در شرائع الإسلام) که می‌توان برداشت‌هایی از مکتوباتشان برای مسئله این تحقیق، استفاده نمود؛ به‌عنوان نمونه استدلال‌ات ایشان در مسئله انتشار سمّ به هنگام جهاد با کفار، می‌تواند برای بحث سلاح کشتار جمعی، راهگشا باشد. دانشوران فقه متاخر نیز در منابع فقهی به مسئله سلاح کشتار جمعی و ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند (برای نمونه ر.ک: امام‌خامنه‌ای در پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه؛ بهجت در جامع المسائل؛ مجموعه نویسندگان در جهاد در آئینه اسلام). همچنین در دوران معاصر مقالاتی چون تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، نوشته آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی؛ بررسی ادله جواز یا حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، اثر مهدی ربانی؛ به کارگیری سلاح کشتار جمعی از منظر فقه و حقوق بین‌الملل، به قلم رضیه افضل‌زاده، ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح کشتار جمعی در شرایط اضطرار جنگی، نوشته ابوالقاسم علیدوست؛ ارزیابی تزاخم ممنوعیت بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی با موارد اضطرار، که توسط وحید واحد جوان به رشته تحریر درآمده است، از پیشینه‌های پژوهشی این تحقیق محسوب می‌شود؛ که نتیجه و دستیافت همه این مقالات، «حرمت حتی در صورت اضطرار» است، درحالی‌که نتیجه این جستار، «جواز در فرض ضرورت و انحصار» است. به‌عنوان نمونه آیت‌الله علیدوست با بررسی قواعد فقهی از قبیل قاعده تزاخم اهم و مهم و قاعده اضطرار، جریان این ادله را در فرض مذکور، پذیرفته و قائل به حرمت مطلق شده است.

بنابراین وجه تمایز این نوشتار اولاً در تمرکز بر مسئله استفاده از سلاح کشتار جمعی در صورت اضطرار؛ و ثانیاً رویکرد اجتماعی مبتنی بر اصول فقه سنتی و جواهری در مقام نقد و بررسی ادله، و ارائه استدلال‌ها و رهیافت‌های نوآورانه؛ و ثالثاً رویکرد انتقادی نسبت به مقالات پیشین، و دستیابی به نتایج متفاوت نسبت به این مقالات است.

## ۱. اصطلاح پژوهی

### ۱-۱. سلاح کشتار جمعی

در ابتدا باید به تحلیل مولفه اصلی این نوشتار، یعنی سلاح کشتار جمعی پرداخت، و معنای آن را تبیین و تعریف نمود. برخی در تعریف سلاح کشتار جمعی چنین می‌نگارند:

سلاح کشتار جمعی آن است که اولاً قدرت تخریب زیادی دارد، و ثانیاً بدون تفکیک، هم نظامیان و هم غیرنظامیان را از بین می‌برد، از این‌رو آثار تخریبی آن محدود به میدان و زمان جنگ نمی‌شود، و به غیرنظامیان نیز آسیب می‌زند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

البته ممکن است سلاحی چون موشک تمام معیارهای مذکور در تعریف ایشان را داشته باشد (به‌عنوان مثال، قدرت تخریب زیاد داشته و بدون تفکیک عمل کند، و متعرض غیرنظامیان نیز بشود، و همچنین تأثیرش محدود به زمان جنگ نشود) ولی نمی‌توان آن را مصداق سلاح کشتار جمعی دانست، و در عرف نظامی یا سیاسی نیز سلاح کشتار جمعی به حساب نمی‌آید.

برخی دیگر از محققین می‌گویند:

سلاح کشتار جمعی به جنگ‌افزاری گفته می‌شود که قابلیت کشتن تعداد بسیاری از انسان‌ها، و وارد آوردن خسارات زیاد به محیط‌زیست را دارد؛ برای تشخیص این سلاح‌ها دو ملاک وجود دارد: قدرت تخریب بسیار بالا، و اهداف غیرقابل تحدید و پیش‌بینی. باتوجه به این دو ملاک، در حال حاضر تنها سه‌نوع سلاح کشتار جمعی وجود دارد: سلاح اتمی، شیمیایی و بیولوژیک (ربانی و روحانی، ۱۳۹۹: ۸۹).

به نظر می‌رسد مراد از سلاح کشتار جمعی عرفاً واضح بوده، و نقض و ابرام زیاد در تعریف آن، فایده‌چندانی دربر ندارد؛ درعین حال تعریف فوق از قابل قبول است، چراکه قید «اهداف غیرقابل تحدید و پیش‌بینی» مواردی چون موشک را از تعریف خارج می‌کند، چون سلاح‌هایی مثل موشک، قابلیت تحدید اهداف را دارند، اما سلاح‌های کشتار جمعی به دلیل وسعت دایره تخریب، فاقد چنین قابلیت‌هایی هستند.

## ۲-۱. اضطرار

اضطرار در لغت مصدر باب افتعال از ریشه «ضرر» و به معنای ناچاربودن از پذیرش ضرر و آسیب است، و اسم مصدر آن «ضرورت» می‌باشد، ضرورت یعنی نیاز شدیدی که برآورده نشدن آن ممکن است منتج به خطر جانی یا زیان مالی جبران‌ناپذیر گردد (ر.ک: راغب، بی‌تا: ۳۰۲)؛ و در اصطلاح بدین معنی است که «انسان خود را در تنگنایی ببیند که برای رهایی از آن، بر خلاف میل باطنی مجبور به انجام کاری شود» (ولایی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). روشن است که با توجه به شدت و ضعف آن تنگنا، و میزان قبح فعلی که وادار به انجام آن می‌شود، اضطرار می‌تواند مراتب تشکیکی مختلفی پیدا کند، از این رو باید معنای دقیق اضطرار روشن شود.

مراد از اضطرار در این نوشتار، این است که در نبرد نظامی، دشمن از این سلاح، علیه مسلمین استفاده کند، و قصد نابودی جامعه اسلامی یا نسل کشی مسلمین را داشته باشد، و از طرفی، برای جلوگیری از این وضعیت، راه دیگری جز مقابله به مثل و استفاده از این سلاح‌ها وجود نداشته باشد. بنابراین قید «انحصار» و شرایطی که نجات و حفظ کیان اسلام و جامعه اسلامی، منحصر در به کارگیری این اسلحه باشد، مراد اصلی از اضطرار در این تحقیق است.

## ۲. تبیین محل نزاع

۲-۱. مسئله تحقیق، فقط بیان حکم استفاده از این سلاح‌ها نیست، بلکه مراحل دیگر آن، از قبیل تولید، تکثیر و انباشت را هم شامل می‌شود.

۲-۲. این تحقیق، خصوص فرضی را محور بحث قرار می‌دهد که دشمن دارای چنین سلاحی است، و علاوه بر تهدید، ممکن است در مقابل مسلمین از آن استفاده نیز کند، یا از آن استفاده کرده است، و از طرفی راه دیگری هم برای دفع تهاجم دشمن وجود ندارد.

۲-۳. در این نوشتار، فقط ضوابط فقهی اولی این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما احکام عارضی، مثل صورتی که دولت اسلامی، متعهد به عدم تولید و استفاده از این سلاح‌ها شود، خارج از مسئله تحقیق است.

۴-۲. اقتضائات و شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در قرن حاضر از جمله، وجود قدرت‌های نظامی که اخلاق و انسانیت را فدای منافع مادی و حیوانی خود نموده، و در صورت توانایی از هیچ ظلم و وحشی‌گری ابایی ندارند، و از سوی دیگر وجود منابع و ثروت‌های جوامع اسلامی که چشم طمع حکومت‌های استعمارگر را به خود دوخته‌است، ایجاب می‌کند اهتمام ویژه و معقولی نسبت به آمادگی دفاعی و همه‌جانبه در برابر مستکبرین عالم صورت گیرد. از این‌رو برای یافتن پاسخ به مسئله از رهگذر غور در ادله فقهی، لازم است زمینه موجود و تهدیدات جدی و غیرقابل اغماضی که با آن مواجه هستیم نیز مورد عنایت قرارگیرد.

### ۳. بررسی مقتضای ادله در مسئله

#### ۳-۱. دلیل عقل

برخی از محققین معتقدند:

استفاده از سلاح کشتار جمعی عقلاً قبیح است زیرا ظلم بر بشر محسوب شده، و محیط‌زیست را از بین می‌برد. بنابراین عقل با توجه به ملاک ظلم و ملاک فساد قبح را درک می‌کند و بنابر قاعده ملازمه حکم عقل و حکم شرع، قاعدتا استفاده از سلاح کشتار جمعی در شارع هم حرام است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲: ۵۹).

برخی در این زمینه می‌نویسند:

استفاده از سلاح هسته‌ای و از بین بردن نفوس محترمه، نابودی نسل و تخریب محیط زیست مصداق بارز ظلم و همگی آثار استفاده از سلاح کشتار جمعی هستند (افضل‌زاده و رهبر، ۱۳۹۶: ۹۱).

#### نقد و بررسی

لیکن این دلایل تنها قبح صورتی را اثبات می‌کند که اضطراری در بین نباشد؛ به عبارت دیگر، حکم قطعی عقل بر قبح استفاده از سلاح کشتار جمعی، به عنوان اولی ثابت بوده و قابل انکار

نیست، چراکه موجب کشتار انسان‌های بی‌گناه بسیاری می‌شود، ولی کلام در فرضی است که اضطرار وجود دارد، و اینکه آیا باز هم عقل چنین حکمی دارد؟ این امر محل تردید است، و به نظر می‌رسد دلیل قائلین به حرمت، اخص از مدعای ایشان که «حرمت مطلق» است، می‌باشد. به عنوان مثال نقض، باید توجه شود که در مسئله «تترس» نیز به عنوان اولی، کشتن زنان و فرزندان بی‌گناه، قطعاً قبیح است، اما آیا این قبح، در زمان اضطرار هم جریان دارد؟

خلاصه اینکه استفاده از سلاح کشتار جمعی و هر سلاح دیگری، به عنوان اولی، از نگاه عقل قبیح است، اما در حالت اضطرار ممکن است همان عقل، حکم به کشتن زنان و فرزندان کند که به عنوان سپر قرارداد شده‌اند؛ زیرا عقل به هنگام تزامم مصالح، حفظ اسلام و جامعه اسلامی را اهم از آن می‌داند چراکه در نگاه وسیع‌تر، منجر به نجات افراد بسیار بیشتری از ظلم و کشته شدن به دست کفار (اگر غلبه پیدا کنند) می‌گردد؛ حال در مسئله استفاده از سلاح کشتار جمعی، اگر مثلاً دشمن در جنگ با مسلمین از این ابزار استفاده کند، آیا می‌توان گفت که از نظر عقل، باید دست روی دست گذاشت و صرفاً ناظر نسل‌کشی مسلمین و ریشه‌کن شدن اسلام شد؟ یا اینکه باید بگوییم عقل، حکم به تقدیم مصلحت اقوی می‌کند؟

باید توجه شود که مسئله، بسیار عمیق‌تر از آن است که به سادگی بگوئیم «عقل قطعاً حکم به حرمت استفاده در تمام حالات و شرایط می‌کند»؛ بلکه باید تحقیق و بررسی بیشتری در این زمینه صورت گیرد، که طبیعتاً مستلزم نگاه وسیع و جامع‌تر نسبت به فقه است.

## ۳-۲. بررسی مقتضای آیات قرآن کریم

### ۳-۲-۱. آیه «إعداد»

ابتدا به نقل گفتار برخی از مفسرین در توضیح آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۶۹) می‌پردازیم: شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد: «(إعداد) به معنای گرفتن و آماده کردن چیزی برای اهداف مورد نیاز دیگر است؛ و «استطاعت» یعنی آمادگی و

توانایی جوارح برای انجام کاری به همراه نبود مانع؛ و مراد از «قوه» اموری است که به وسیله آن بر دشمن قدرت پیدا می‌شود. خداوند متعال مؤمنین را امر فرموده که به اندازه توان، آمادگی نظامی کسب نمایند، اعم از سلاح جنگی و غیر آن» (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۱۴۷)؛ مجمع‌البیان: «این آیه امر خدای سبحان است به اینکه قبل از مواجهه با دشمن، به قدر توانایی، از جهت تسلیحات نظامی تجهیز لازم صورت گیرد، به اندازه‌ای که قدرت برای مقابله با آنان حاصل شود» (طبرسی، ۱۹۹۵: ۴ / ۴۸۷) تفسیر المیزان: «کلمه «إعداد» به معنای تهیه کردن مقدمات ضروری یک هدف است؛ و کلمه «قوه» در جنگ به معنای هر چیزی است که بتوان به وسیله آن جنگ و دفاع را ادامه داد، مانند اسلحه و مردان جنگی باتجربه و تشکیلات نظامی. این آیه امر عام است به آمادگی جنگی مؤمنین به قدر استطاعتشان، در مقابل دشمنانی که موجود هستند یا کسانی که فرضاً ممکن است تحقق یابند، که از لوازم وجود تضاد منافع در جوامع انسانی است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۱۱۴). تفسیر نمونه: «یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند، آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه باید از پیش به حد کافی، آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن را داشته باشید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷ / ۲۶۸). که ظاهراً امر در این آیه، امر وجوبی مولوی بوده، و دلالت بر لزوم آمادگی برای مقابله با دشمن دارد.

با تأمل در این آیه روشن می‌شود که اولاً عنوان «ما استطعتم» دلالت روشنی بر عمومیت حکم دارد (همان‌طور که علامه طباطبایی به عمومیت حکم اشاره کرد)، یعنی هر مقدار که استطاعت دارید، خود را برای مقابله تقویت نمایید، تا جایی که قدرت لازم برای مقابله حاصل شود. ثانیاً تعبیر «من قوه» اطلاق دارد و شامل هرگونه سلاحی که برای تحقق این هدف لازم باشد، می‌شود؛ مکارم شیرازی می‌نویسد:

کلمه «قوه» نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصر را دربرمی‌گیرد، که تمام نیروها و قدرت‌هایی که به نوعی در پیروزی دشمن اثر دارد اعم از مادی و معنوی را شامل می‌شود. هر سلاح و قدرتی که در آینده هم پیدا شود، در کلمه جامع «قوه» نهفته است، زیرا جمله «ما استطعتم» عام است، و کلمه «قوه» که

به صورت نکره آمده، عمومیت آن را تقویت کرده، هر نیرویی را شامل می‌شود (همان: ۲۷۳).

ثالثاً در آیه شریفه، هدف از این حکم، ارباب دشمنان خدا و کسانی که عداوت پنهان دارند، بیان شده است؛ «گوئی آیه شریفه می‌گوید: آن‌چنان قدرتمند شوید که دشمن به وحشت بیفتند، و حتی دشمنانی که آنان را نمی‌شناسید با افزایش آمادگی جنگی شما بترسند و بر سر جای خود بنشینند» (همان: ۲۷۵) و از این نکته استفاده می‌شود که اصل ارباب از اصولی است که مسلمین و حاکم اسلامی باید به آن توجه ویژه داشته باشند. نکته بعدی این است که نمی‌توان هدف لزوم تقویت نظامی را فقط ارباب دانست، بلکه ارباب دشمن، یکی از مهمترین غایاتی است که بر لزوم تقویت جنگی و دفاعی مترتب است؛ علامه طباطبایی گوید: اینکه آیه شریفه، ارباب را هدف لزوم آمادگی دفاعی معرفی کرده، اگرچه خود ارباب یکی از اغراض صحیحی است که فوائد عظیمی بر آن مترتب است، ولی تمام غرض نیست؛ بلکه هدف اصلی از تجهیز نظامی، قدرت و تمکن از دفع حمله دشمن به اندازه استطاعت است، و در نتیجه، حفظ جامعه از خطر دشمنانی است که جان، آبرو و مال مسلمین و جامعه اسلامی را تهدید می‌کنند؛ و به عبارت مناسب‌تر خاموش کردن آتش فساد است که می‌خواهد بنیان دین و حقیقت را نابود کند، که فراهم‌آورنده عبودیت و عدالت میان بندگان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۶/۹).

در نتیجه، با توجه به اطلاق آیه شریفه، تولید سلاح کشتار جمعی، به منظور آمادگی برای دفع کشتار جمعی دشمن و همچنین ارباب و ترساندن دشمنان شناخته و ناشناخته، جائز بلکه لازم است؛ مگر اینکه بگوییم قرینه بر تقیید اطلاعات وجود دارد و آن، مجموع روش و سیره پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام در جنگ‌ها است؛ که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

## ۲-۳-۲. «آیه اعتداء»

در فرضی که دشمن دارای سلاح اتمی است و با آن مسلمین را تهدید می‌کند، آیا می‌توان به آیه شریفه «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره: ۱۹۴) تمسک

نمود، و نتیجه گرفت که به مقتضای مقابله به مثل، مسلمین مجاز باشند که چنین سلاحی را تهیه نمایند؟

نگاهی اجمالی به تفسیر آیه: المیزان: «معنای این جمله عام این است که علت تشریع قصاص درواقع، تشریع جواز اعتداء به مثل است؛ و علت امر به اعتداء به مثل این است که اعتداء مذموم منحصر به فرضی است که درمقابل اعتداء دیگری نباشد، اما هنگامی که چنین باشد، باعث تعالی و رهایی از ذلت، بندگی و ظلم است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۱/۲). مجمع البیان: «من اعتدی علیکم» یعنی هرکسی که بر شما ظلم کرد، شما هم مثل تعدی او را بر آنان وارد سازید» (طبرسی، ۱۹۹۵: ۳۲/۲). تفسیر نمونه: «آیه شریفه، یک دستور کلی و عمومی را بیان می‌فرماید که باید مقابل متجاوز ایستاد، و به هر کس حق می‌دهد اگر به او تعدی شود به همان مقدار، مقابله کند. این آیه، مفهوم وسیعی دارد، و منحصر به مسئله قصاص یا جنایات دیگر نیست؛ بلکه امور مالی و سایر حقوق را نیز شامل می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵/۲).

برخی معتقدند: «ظاهر آیه دربرگیرنده موردی است که بر کسی ظلم شده باشد. بنابراین صرف داشتن سلاح اتمی توسط دشمن، مصداق ظلم و اعتداء نیست. اما اگر در جنگ با مسلمین از این سلاح استفاده کند، دلالت آیه، مقابله به مثل را مشروعیت می‌بخشد اما نه به صورت مطلق. مثلاً اگر دشمن سربازان مسلمان را مثله کرد، مسلمانان اجازه مقابله به مثل در این جهت را ندارند. بنابراین آیه شریفه از این جهت اطلاق ندارد.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲: ۶۵). به نظر می‌رسد اینکه مجرد داشتن سلاح‌های اتمی، از مصادیق اعتداء به‌شمار نمی‌آید، سخنی صحیح است، ولی باید توجه داشت دشمن گاهی علاوه بر داشتن سلاح اتمی، جامعه اسلامی را تهدید به استفاده از آن نیز می‌کند، و دائماً از گزینه نظامی روی میز، سخن می‌راند؛ به نظر می‌رسد که این تهدید می‌تواند از مصادیق اعتداء و مورد تجاوز قراردادن حریم جامعه اسلامی و آرامش حاکم بر آن باشد، و به‌هم خوردن این آرامش، تبعات ملموس و عینی فراوانی را برای جامعه در پی داشته باشد؛ و طبیعتاً مقابله به مثل چنین اعتدایی در همان حد خواهد بود، و مسلمین نیز باید با داشتن چنین سلاح‌هایی، جنگ روانی دشمن را مدیریت کرده، پاسخ دهند.

ظاهراً عرف هم اعتداء و تجاوز را محدود به فرضی که تجاوز فیزیکی صورت گرفته باشد، نمی‌داند؛ بلکه به هم‌ریختن نظم و آرامش جامعه اسلامی با چنین تهدیدهایی، نوعی تجاوز به حریم مسلمین تلقی می‌شود، و دلیلی بر مقیدکردن اعتداء به اعتداء فیزیکی نداریم. مضافاً به اینکه چه تهدیدی از سوی دشمن صورت بگیرد و چه نگیرد، نباید جنبه بازدارندگی و اربابی که صرف داشتن این سلاح‌ها دارند، مغفول واقع شود؛ قسمت پایانی آیه شریفه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...» دلالت دارد بر اینکه یکی از حکمت‌های وجوب تجهیز نظامی، این است که دشمنانی که حتی خود مسلمین، آنها را نمی‌شناسند (و طبعاً تهدیدی از سوی آنان صورت نگرفته) نیز مرعوب شوند و این، خود نوعی پیشگیری از جنگ نظامی است؛ از این رو حتی اگر تهدیدی از سوی دشمن صورت نگیرد، باز هم تجهیز نظامی لازم است که به اطلاق سلاح کشتار جمعی را نیز شامل می‌شود.

بنابراین آیات قرآن کریم، نه تنها دلالتی بر حرمت مطلق استفاده از این سلاح‌ها ندارند، بلکه در صورت استفاده دشمن از سلاح‌های کشتار جمعی، و اضطرار، مقتضای آیاتی چون امر به اعتداء به مثل، دلالت بر جواز، بلکه لزوم مقابله به مثل می‌کنند؛ همچنین آیاتی که امر به تجهیز و آمادگی نظامی فرموده، شامل تولید و انباشت این سلاح‌ها به منظور ارباب دشمن و پیشگیری از حمله نظامی آنها نیز می‌شود.

### ۳-۳. مقتضای روایات

#### دسته‌بندی کلی روایات در مسئله، و بررسی آنها

روایاتی که برای حرمت مطلق سلاح کشتار جمعی بدان‌ها استدلال شده است، سه دسته‌اند: الف) روایات شریفی که دلالت بر عدم جواز تعرض به غیر جنگجویان یعنی کودکان، زنان، سالخورده‌گان، حیوانات، دیوانگان و ... دارد. در نتیجه استفاده از سلاح کشتار جمعی مثل سلاح اتمی که غیرنظامیان را هم مورد تعرض قرار می‌دهد، جایز نیست.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

كان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا اراد ان يبعث سرية دعاهم فأجلسهم بين يديه ثم يقول: سيروا

بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملّه رسول الله، لا تغلوا و لا تمثّلوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شیخا فانيا و لا صبیّا و لا امرأه و لا تقطعوا شجرا إلّا أنّ تضطروا الیهما/رسول خدا ﷺ هرگاه تصمیم می‌گرفت گروهی را برای جنگ بفرستد آنها را فرامی‌خواند و پیش‌روی خویش می‌نشانند و می‌فرمود: با نام خدا و برای خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا بروید، و کینه‌توزی نکنید، و کشته‌های دشمن را مثله نکنید، و پیمان‌شکنی نکنید، و پیرمرد کارافتاده و کودک و زنی را نکشید، و درختی را قطع نکنید، مگر وقتی که چاره‌ای جز آن نباشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۷).

در آخر این روایت، رسول خدا ﷺ پس از بیان ممنوعیت مواردی، حالت اضطرار را استثناء می‌کنند (یعنی در آن صورت، محظورات مباح می‌شوند). شهید اول در لمعه آورده است: «قتل کودکان، زنان، دیوانگان هرچند در حالت جنگ کمک رسانند، جایز نیست مگر در موارد ضرورت» (عاملی، ۱۳۸۸: ۱/۳۶۹).

روایات لزوم حفظ محیط‌زیست هم دالّ بر این است که مسلمین حق ندارند در جنگ، هرچه خواستند انجام دهند، بلکه محدودیت‌هایی وجود دارد، حتی نسبت به درختان، مثل این فراز از روایت که می‌فرماید: «و لا تقطعوا شجرة مثمرة» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۵۸).

قائلین به حرمت معتقدند از این دسته از روایات و برخی از آیات، قاعده تفکیک در جهاد اسلامی به دست می‌آید. طبق این قاعده، تنها نظامیان باید مورد اصابت جهادگران مسلمان قرار گیرند، و غیرنظامیان تحت حفاظت باشند؛ لذا سلاح هسته‌ای که توان تفکیک را ندارد، از نظر اسلام، مردود است (برای نمونه ر.ک: مجموعه نویسندگان، ۱۴۲۸: ۳۳).

## نقد و بررسی

پیرامون روایات دسته اول باید گفت که حرمت تعرّض به کودکان و زنان و ... مورد پذیرش است، اما باید توجه داشت که این ممنوعیت، حکم اولی برای این موضوعات است؛ و منافاتی با جواز به عنوان ثانوی (یعنی حالت اضطرار) ندارد. به عبارت دیگر ادله اضطرار بر این ادله حکومت داشته، آنها را تفسیر می‌کنند. بنابراین حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی در فرض اضطرار، از این دسته از روایات استفاده نمی‌شود؛ به‌خصوص کارهایی چون

مثله کردن، سوزانیدن و تعرض به سالخوردگان، بانوان و کودکان، غالباً بعد از اتمام جنگ و طبق رسوم جاهلی صورت می‌پذیرفته است، و این موارد نقشی در تغییر سرنوشت جنگ نداشته و در نتیجه، با فرض اضطرار که محل بحث است، متفاوت می‌باشد.

جالب این است که در پایان همان روایت منقول از رسول خدا ص نیز، استثنای «إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا» آمده است، یعنی در صورت اضطرار، حتی همین ممنوعیت‌هایی که در روایت نام برده شده، هم برداشته می‌شود، و این فراز از روایت، بیشتر دلالت بر مدعای ما دارد تا دلالت بر حرمت. البته ممکن است استثناء مذکور فقط ناظر به همان موارد ذکر شده در متن روایت باشد، بنابراین صدر روایت، قرینه صارفه از اطلاق استثناء می‌شود. با این حال باید توجه شود که استدلال ما بر مدعای خود، منحصر به این روایت شریف نیست، بلکه این روایت از ادله‌ای است که قائلین به حرمت مطلق بدان استناد نموده‌اند، که گفته شد چنین دلالتی از آن برداشت نمی‌شود، و روایت مذکور نهایتاً از بیان حکم مسئله تحقیق ما ساکت است.

نکته بسیار مهم این است که اساساً استناد به این دست روایات بر حرمت سلاح‌های کشتار جمعی، از مصادیق استفاده از قیاس فقهی خواهد بود، بلکه قیاس مع الفارق است؛ زیرا موارد مذکور در این روایات، ظهور در حالت اضطرار ندارد، مثلاً مثله کردن، قطع درخت‌ها، کشتن زنان و فرزندان و حیوانات، غالباً به خاطر اضطرار نیست، و آسیب‌رساندن به این گروه‌ها یا عدم آن، نقش چندانی در سرنوشت جنگ ندارد، و این موارد با محل بحث ما که فرض اضطرار و انحصار است، تفاوت اساسی دارد، و نمی‌توان بدان قیاس کرد.

به‌طور خلاصه اگر منظور از حرمت این سلاح‌ها، ممنوعیت به عنوان حکم اولی است، صحیح و قابل قبول است، ولی حکم استفاده از این سلاح‌ها در فرض اضطرار، از این دسته از روایات استفاده نمی‌شود.

ب) دسته دوم از روایاتی که برای حرمت بدان استدلال شده «روایاتی است که از سوزاندن سربازان با آتش نهی می‌کند: از این دست روایات می‌توان نتیجه گرفت که در مقام غلبه، مسلمین مجاز به استفاده از هر ابزار یا هر روشی مثل سوزاندن نیستند، و بنابر این دسته

از روایات واضح است که استفاده از سلاح کشتار جمعی به طریق اولی جایز نیست.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۷۵).

### نقد و بررسی

در مورد این دسته از روایات نیز همان سخن جاری است؛ یعنی حرمت سوزاندن دشمنان، غالباً از روی اضطراب نیست که غلبه، متوقف بر آن باشد؛ بلکه غالباً با دواعی نفسانی چون انتقام جویی صورت می‌پذیرد، در نتیجه نمی‌تواند دلیلی بر حرمت به‌کارگیری از سلاح‌های اتمی در فرض اضطراب باشد. بر فرض اینکه این غلبه را نپذیریم، یا آن را موجب انصراف ندانیم، باز هم ادله رفع حکم به‌هنگام اضطراب بر این ادله، حکومت می‌داشت (برای مطالعه مدارک قاعده ر.ک: محقق داماد، ۱۳۸۷: ۴۵).

ج) دسته سوم، روایاتی هستند که دلالت بر حرمت استفاده از سم در بلاد مشرکین دارند. از این روایات، به طریق اولی حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده می‌شود (برای نمونه، ر.ک: مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۹/۱۷۷).

صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۷/۲۱) بعد از آن که کلام محقق را نقل می‌کند که گفت: «و یحرم إلقاء السم»، می‌نویسد:

شیخ طوسی در کتاب نهاییه، ابن زهره در غنیه، ابن ادریس در سرائر، محقق در مختصر النافع، علامه در ارشاد، شهید اول در دروس، محقق ثانی در جامع المقاصد و بسیاری از فقهاء دیگر، حرمت القاء سم را بر فرض عدم اضطراب، یا فرض عدم توقف پیروزی مسلمانان بر آن، مقید کرده‌اند؛ صاحب جواهر در ادامه می‌گوید: حتی اگر غلبه لشکر اسلام بر استفاده از سم در سرزمین‌های مشرکین متوقف باشد، اطلاق روایت، در این صورت نیز بر عدم جواز دلالت دارد؛ و اگر مقصود از «ضرورت» در کلام کسانی که استفاده از سم را در مورد ضرورت، جایز دانسته‌اند، توقف پیروزی بر استفاده از سم باشد، می‌توان این دیدگاه را به‌وسیله اطلاق مذکور مردود دانست (همان).

آیت‌الله فاضل در توجیه سخن صاحب جواهر می‌نویسد:

گرچه به مقتضای قواعد علم اصول می‌بایست اطلاق این حدیث را با ادله اضطرار، تقیید زد، ولی صاحب‌جواهر معتقد است که با این وجود، این اطلاق قابل تقیید نیست، چراکه در اکثر موارد، استفاده از سمّ در فرض اضطرار صورت می‌پذیرفته است، و رسول خدا ص با عنایت به همین مطلب، استفاده از سم در سرزمین شرک را به صورت کلی، مورد نهی قرار داده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲: ۷۷).

### نقد و بررسی

با توجه به ادله کلی رفع حکم در فرض اضطرار، در روایات دسته سوم نیز عیناً همین مطلب جریان دارد که حرمت استفاده از سم، مختص به عدم اضطرار و انحصار است، به همان دلایلی که پیشتر بیان گردید. اما نکته‌ای که ذیل روایات دسته سوم جالب توجه بود، عبارات فقهاء بزرگ امامیه همچون شیخ طوسی، ابن ادریس، محقق، علامه، شهید اول، محقق ثانی و بسیاری دیگر از فقهاء بود که همگی حرمت القاء سمّ را منوط به عدم اضطرار کرده‌اند؛ که طبق این فتاوا (که ظاهراً با توجه به روایات وارد شده پیرامون القاء سمّ بوده است)، حکم حرمت سلاح کشتار جمعی در حالت اضطرار، از این روایت، مستفاد نیست.

نکته دیگر اینکه نظر صاحب‌جواهر این بود که حتی در صورت توقف غلبه بر القاء سم، باز هم اطلاق روایت در حرمت، این فرض را نیز شامل می‌شود، اما دلیلی که آیت‌الله فاضل برای سخن صاحب‌جواهر بیان می‌کند این است که اطلاق روایت با ادله رفع اضطرار، قابل تقیید نیست، زیرا غالباً القاء سمّ در موارد اضطرار بوده است. باید در پاسخ گفت به هیچ وجه نمی‌توان مدعی شد که استفاده از سم در جنگ‌ها غالباً در فرض اضطرار بوده؛ چه بسا هدف این بوده که به سادگی و بدون سختی، دشمن را شکست دهند، و اصلاً غالبیت اضطرار در هنگام القاء سمّ قابل‌پذیرش نیست؛ و الله اعلم.

### جمع‌بندی روایات

به نظر می‌رسد حکم حرمت مواردی چون قتل کودکان و دیوانگان، مختص به فرض عدم اضطرار است و این ادعاء، با توجه به استثنائی که در روایات مذکور بیان شده بود (یعنی الا

آن تضطرّوا الیهما) و استثنائی که غالب فقهاء امامیه بیان نموده‌اند، قابل پذیرش است (به‌خصوص که مقتضای قواعد اصولی این است که اطلاعات حرمت به‌وسیله ادله اضطرار، مقید شوند)؛ در نتیجه، حکم حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به‌هنگام اضطرار (که مسئله اصلی این تحقیق است) از این روایات اصطیاد نمی‌شود. بلکه شاید بتوان گفت به‌خاطر اطلاق استثنای «الّا أنّ تضطرّوا الیهما»، می‌توان حکم جواز استفاده از سلاح کشتار جمعی به‌هنگام اضطرار و نجات کیان جامعه اسلامی را استفاده نمود.

محقق در شرائع، محاربه با دشمن به‌وسیله امثال منجنیق، نابودکردن قلعه‌ها، خانه‌ها و هرچه که به‌وسیله آن، غلبه به‌دست آید را جایز قلمداد کرده، و در سه مورد قطع اشجار، پرتاب آتش و رها نمودن آب، فتوا به کراهت داده و گفته است در همین سه مورد هم اگر ضرورت اقتضاء کرد، از کراهت خارج می‌شود (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/۲۸۳).

صاحب جواهر فتوای شهید اول در روضه (مبنی بر اینکه هدم قلعه‌ها، استفاده از منجنیق و قطع اشجار را در صورتی جایز دانسته که فتح و غلبه بر آن توقف داشته باشد) را صحیح نمی‌داند و معتقد است حتی اگر فتح و غلبه بر این موارد توقف نداشته باشد هم مسلمین می‌توانند ابتداء نسبت به کفار، این امور را انجام دهند. صاحب جواهر در ادامه افزوده است که برحسب برخی اخبار می‌توان گفت قطع اشجار، پرتاب آتش و تسلیط آب در غیرضرورت، کراهت دارد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱/۶۵).

#### ۴. استدلال به «تترس» بر جواز

«تترس» از ادله‌ای است که می‌توان برای حلیت سلاح کشتار جمعی در صورت اضطرار، بدان استناد نمود. در روایت حفص بن غیاث از امام صادق (ع) چنین آمده است:

قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن مدائن الحرب هل يجوز أن يرسل عليها الماء أو تحرق بالنار أو ترمي بالمنجنیق حتى يقتلوا ومنهم النساء والصبيان والشيخ الكبير والأسارى من المسلمين والتجار؟ فقال: يفعل ذلك بهم ولا يمسك عنهم لهؤلاء ولا ديه عليهم للمسلمين ولا كفارة (حرعاملی، همان: ۴۶/۱۱).

طبق روایت مذکور و سایر روایاتی که در این باره بیان گردیده، اگر در زمان جنگ با مشرکین، دشمن تترس کرد، یعنی زنان و کودکان را سپر خود قرار داد تا مانع پیشروی و پیروزی مسلمین در جنگ شود، در این صورت کشتن آنها برای دستیابی به فتح و نجات جامعه اسلامی جایز است.

**طرح اشکال و پاسخ آن:** مخالفین حلیت در پاسخ به این استدلال گفته‌اند که «مسئله تترس ارتباطی با موضوع محل بحث (سلاح‌های کشتار جمعی) ندارد؛ زیرا در تترس، محدودیت وجود دارد، در حالی که در سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌توان برای آن محدودیتی تصور نمود» (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲: ۸۳).

لیکن به نظر می‌رسد، مسئله تترس و فتوای فقها بر جواز کشتن زنان و کودکانی که سپر قرارداده شده‌اند در صورت اضطرار، دقیقاً مرتبط با محل بحث و شاهد دیگری بر قول به جواز در صورت اضطرار است. توضیح اینکه فقها، در مسئله تترس، با اینکه سخن از کشته‌شدن زنان و فرزندان بی‌گناه در میان است، باز هم فتوا به جواز در صورت اضطرار داده‌اند، و عبارات آنها به روشنی می‌رساند که علت فتوای به جواز، همین حالت اضطرار، و انحصار غلبه بر این عمل می‌باشد؛ و این فتوا دقیقاً با قاعده نقلی رفع حکم به هنگام اضطرار مطابقت دارد. بنابراین مناط قطعی فتوای به جواز (یعنی اضطرار)، در محل بحث هم وجود دارد. مضافاً به اینکه جواز در مسئله تترس، می‌تواند جواب نقضی محکمی بر تمام قواعد و ادله پیشینی باشد که برای حرمت بدان‌ها استدلال شد.

در پاسخ به وجه افتراق ذکرشده باید گفت محدودیت تترس نسبت به سلاح کشتار جمعی نمی‌تواند سبب اختلاف جوهری و ماهوی میان آن دو شود؛ زیرا در هردو، معیار و ملاک واحدی حاکم است، و وقتی در حالت تترس، به خاطر مصلحت اهم، یعنی وجود اضطرار و توقف نجات جامعه اسلامی از چنگال کفر، حتی در قتل انسان‌های بی‌گناه، قائل به جواز شدیم (و مجوزیت اضطرار به حد خون رسید)، این ملاک در فرض استفاده از سلاح کشتار جمعی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، قدرت ویرانگری موشک (چه از حیث لطمات انسانی و چه طبیعی)، بسیار بالاتر از ویرانگری تفنگ است، اما این اختلاف در محدودیت، بدون

هیچ اختلاف نظری، منجر به تفاوت حکم آن دو (در جواز استفاده در حالت اضطرار و انحصار) نمی‌گردد؛ و همین‌طور اختلاف تترس با محل بحث، اختلاف ماهوی نبوده، و صرف «قدرت و وسعت بیشتر ویرانگری» موجب حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی حتی در حالت اضطرار و در خطر بودن کیان اسلام و عدالت اجتماعی، نمی‌باشد؛ و سبب خروج از اطلاعات ادله اضطرار، نمی‌شود. در عین حال اگر نتوانیم آن را به مثابه دلیل مستقلى بر جواز در مسئله خود (فرض اضطرار) قلمداد کنیم، مسئله تترس، حداقل می‌تواند به منزله شاهد و مویدی بر مدعای ما باشد، که در فرآیند تجمیع ظنون ممکن است در کنار سایر ادله، دلیل معتبری را صورت دهد.

## ۵. وجوب تقدیم اهم بر مهم؛ و استناد به آن برای جواز

قاعده تقدیم اهم بر مهم، از قواعدی است که در اصول فقه، مسلم تلقی شده است (برای نمونه ر.ک: صدر، بی تا: ۵۹/۶؛ روحانی، ۱۳۸۲: ۲/۳۵۷؛ بجنوردی، بی تا: ۱/۴۷۱، خوئی، بی تا: ۲/۶۶). حسینی شیرازی می‌نویسد:

ادله اربعه، بر اعتبار این قاعده دلالت دارد؛ همچنین اجماع عملی فقها در مسائل مختلف فقه، و بناء همه عقلاء که تقدیم اهم را لازم می‌دانند، به علاوه سیره قطعی که بر آن اقامه شده، پشتوانه این قاعده هستند (حسینی شیرازی، ۱۴۱۴: ۱/۱۴۲).

بنابراین قاعده تقدیم اهم، مبتنی بر ادله اربعه، از جمله دلیل عقل بوده، و از آنجا که احکام عقلی بدیهی، استثنای پذیر نیست، باید حکم کرد که این قاعده در تمام موارد فقه جاری است. در محل بحث ما مصلحت اهم (یعنی مصلحت حفظ نظام اسلامی، یا مصلحت جلوگیری از کشتار بیشتر) از بزرگترین مصالح محسوب می‌شود. امام خمینی معتقد است بعضی از محرمات و واجبات از نظر شارع در غایت اهمیت است، مثل هدم کعبه و مشاهد مشرفه و مثل الردّ علی الاسلام (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲). بنابراین نمی‌توان به نظاره نشست و قتل عام و نابودی جامعه اسلامی توسط کفار به وسیله مثلاً بمب‌های اتمی را تماشا کرد، یا نهایتاً به یاری سازمان‌های بین‌المللی امیدوار بود. از اینجا روشن می‌شود که ساخت

و انباشت این سلاح‌ها به منظور استفاده به هنگام ضرورت، و همین‌طور به منظور اِرهاَب و پیشگیری از حمله نظامی دشمن، جایز، بلکه واجب است.

نکته دیگر، لزوم رویکرد اجتماعی و حکومتی در فقه است، که در چنین نگرشی، علاوه بر استخراج نظام‌های اجتماعی و اجرائی از تعالیم اسلام، نگاه وسیع و عمیق اجتماعی در کنار اصول و قواعد فقه سنتی و جواهری، به هنگام فتوا در مسائل فقهی، موجب می‌شود که تاثیر شگرف و قابل توجهی در تکامل فقه و جامعه اسلامی مبتنی بر مبانی فقهی، مشاهده شود (ر.ک: مقاله «ریشه به منظور احقاق حق، نقد دیدگاه مشهور با رویکرد حکومتی به فقه»؛ از نگارنده همین تحقیق).

## ۶. نقد و بررسی نظرات فقهاء در مسئله

### ۶-۱. فقه‌های غیر معاصر

طبیعتاً در زمان فقهاء قدیم، مسئله سلاح کشتار جمعی به معنای امروزی آن مطرح نبوده، ولی ایشان در زمینه استفاده از سم علیه دشمن، نظراتی بیان کرده‌اند، و از آنجاکه انتشار سم، نوعی کشتار جمعی محسوب می‌شود، با الغاء خصوصیت عرفی می‌توان حکم مسئله محل بحث را هم از آن استفاده کرد، و یا ظن حاصل از آن را در فرایند تجمیع ظنون به کار بست.

#### ۶-۱-۱. قول به حرمت

عده‌ای از فقه‌های امامیه به حرمت به کارگیری سم فتوا داده‌اند. شیخ طوسی می‌نویسد: «جنگ با کفار با انواع وسائل جنگی جایز است، مگر سم؛ که جایز نیست در بلاد کفار، سم ریخته شود» (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۳). ابن زهره در این زمینه معتقد است: «جنگ با دشمن با هر وسیله‌ای که در آن امید پیروزی باشد جایز است، مگر استفاده از سم (همان: ۲۰۱).

#### ۶-۱-۲. جواز در حالت اضطرار

محقق حلی می‌گوید: «القاء سم حرام است ... اگر پیروزی جز به آن ممکن نباشد، جایز است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۸۳). فخرالمحققین هم قائل به حرمت استفاده از سم می‌باشد، ولی

معتقد است که اگر موجب قتل بی‌گناه نشود یا پیروزی متوقف بر استفاده از سم باشد، جایز خواهد بود» (ر.ک: فخر المحققین، ۱۳۸۷، ص ۳۵۷) شهید ثانی می‌نویسد: «جنگ با انواع مختلف جایز است، مگر با سم، و اگر اضطرار در آن باشد جایز است» (عاملی، ۱۴۱۴: ۱/۴۸۱).

به نظر می‌رسد جمع میان این دو نظریه این باشد: فتوای حرمت، شامل صورتی که استفاده از سم، به حد اضطرار (اضطرار با توضیحی که بیان شد) برسد، نخواهد بود، و ظاهراً قول حرمت در مقام بیان قاعده کلی و اولیه در جنگ است، که دین متعالی اسلام، اجازه استفاده از هر ابزاری در جنگ با کفار را نمی‌دهد، به خصوص ابزاری که قاعدتا موجب کشتار انسان‌های بی‌گناه زیادی می‌شود مثل استفاده از سم؛ و این سخن در جای خود، صحیح و قابل قبول است ولی منافاتی با جواز در حالت اضطرار ندارد.

### ۳-۱-۶. قائلین به کراهت

علامه حلی پیرامون حکم إلقاء سم چنین می‌نگارد: «نظر قوی‌تر، جواز آن است؛ و نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کراهت حمل می‌شود» (حلی، ۱۴۱۴: ۹/۷۰). ظاهراً مراد از اینکه نهی پیامبر صلی الله علیه و آله، حمل بر کراهت می‌شود، این است که سند روایت سکونی که دالّ بر این نهی است، ضعیف می‌باشد؛ و علامه مجلسی ذیل این روایت می‌نویسد: «این حدیث، مجعول یا ضعیف است...» (مجلسی، بی‌تا: ۱/۳۷۳)؛ البته برخی فقها مثل محقق خوئی این حدیث را معتبر می‌دانند (ر.ک: محقق خوئی، ۱۴۱۰: ۱/۳۷۳). در هر صورت، حدیث سکونی، اگر معتبر هم باشد، ظاهراً فرض اضطرار را شامل نمی‌شود و حکم حرمت، به عنوان اولی را بیان می‌فرماید.

### ۴-۱-۶. جمع‌بندی

با بررسی نظرات فقهاء پیشین، به نظر می‌رسد که قول به جواز استفاده از سم در حالت اضطرار، نظر مشهور است، چراکه طبق عبارات مذکور، غالب فقهاء یا إلقاء سم را اساساً مکروه تلقی می‌کنند، یا اینکه اگر معتقد به عدم جواز آن هستند، حرمت را در صورت عدم اضطرار، جاری می‌دانند.

## ۲-۶. فقهای معاصر

اکثر فقهای معاصر، استفاده از سلاح کشتار جمعی مثل سلاح هسته‌ای را حرام و ممنوع قلمداد می‌کنند (برای نمونه ر.ک: بهجت، ۱۴۲۶: ۳۸۰؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۴۲۱/۲).

لیکن شهید صدر در زمینه به‌کارگیری سلاح هسته‌ای می‌نویسد:

در حدیث معتبر سکونی آمده است که پیامبر ﷺ از القای سم در بلاد مشرکین نهی فرمود، و به‌نظر من نهی، بر حرمت دلالت می‌کند، مادامی‌که مصلحت عظیمی پیش نیاید که البته بسیار نادر است. اگرچه روایت، بر سم دلالت می‌کند، اما شامل همه سلاح‌های نابودکننده جمعی نیز می‌شود، به‌گونه‌ای که با استفاده از این سلاح‌ها مجرم و مصلح، رزمنده و غیرآن، ازین می‌روند و سم در این روایت، خصوصیتی ندارد (صدر، ۱۴۲۷: ۱۱/۲۲۳).

مقام معظم رهبری در زمینه کاربرد سلاح کشتار جمعی و خصوصاً سلاح هسته‌ای چنین می‌گوید:

به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگرانواع سلاح‌های کشتار جمعی نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش‌از دیگرملت‌ها خطر تولید و انباشت این‌گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار می‌دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

## بررسی و تحلیل

نظرات فقهای معاصر بر حرمت سلاح اتمی را می‌توان بر حکم‌اولی حمل نمود، و شهید صدر نیز به این مضمون، تصریح کرد که حکم به حرمت، مقید است به‌زمانی که مصلحت عظیم‌تر پیش نیاید، که ظاهراً مراد ایشان از مصلحت اعظم، همان فرض خطر نابودی کل جامعه اسلامی و اضطرار است، که البته احتمال چنین شرایطی از حیث وقوع، بسیار کم است؛ ولی ثمره‌اش در وجوب تولید و انباشت این سلاح‌ها به‌خصوص به‌منظور اعداد و ارباب، نمایان می‌شود، که فرض نادری نیست.

اما ظاهر سخنان مقام معظم رهبری این است که تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح کشتار جمعی ممنوع و حرام است، اما در کلام ایشان سخنی از فرض اضطرار یا عدم اضطرار به‌میان نیامده است. باتوجه به اهمیت فتوای رهبر معظم انقلاب، لازم است کمی بیشتر در تحلیل آن، کنکاش صورت گیرد. از مجموع سخنان ایشان، دو احتمال قابل برداشت است:

الف) اینکه حرمت سلاح اتمی حتی در حالت اضطرار نیز جریان داشته‌باشد (که ظاهر سخنان ایشان با همین احتمال سازگارتر است، زیرا تولید و انباشت این سلاح‌ها را نیز ممنوع می‌داند)، که اشکالات و ادله‌ای که در این جستار بدان پرداخته‌شد، بر این دیدگاه نیز وارد است. ب) شاید بتوان فتوای ایشان را باتوجه به کلام شهید‌صدر، این‌گونه توضیح داد: از آنجاکه احتمال پدیدآمدن چنین شرایطی (یعنی فرض اضطرار به‌معنایی که ذکر شد) بسیار نادر است، از باب «النادر کالمعدوم» نیازی به درنظرگرفتن چنین حالتی به‌هنگام صدور حکم نیست، و به‌همین خاطر ایشان فتوا به حرمت تولید، انباشت و استفاده از این سلاح‌ها برای حفظ امنیت نوع بشر داده‌اند؛ به‌بیان دیگر ممکن است در دیدگاه ایشان نیز در شرایط اضطرار و وجود مصلحت اعظمی چون حفظ اساس اسلام، و جلوگیری از کشته‌شدن سطح وسیع‌تری از انسان‌ها و گسترش ظلم، استفاده از این سلاح‌ها جایز است ولی این شرایط، فقط مجرد احتمال است و قابل اعتناء به‌هنگام صدور حکم نیست، و روشن است که در صورت عدم اضطرار نیز باید قائل به حرمت شد.

اگر مراد رهبر معظم انقلاب، مضمون فوق باشد، باز هم دیدگاه ایشان از این جهت محل تامل و نظر است که اولاً احتمال استفاده دشمن از سلاح اتمی و پدیدآمدن شرایطی که اساس اسلام درخطر باشد، احتمال معتناء‌بھی است، و در مورد مستکبرینی که پیش‌تر نشان داده‌اند که از به‌کارگیری این سلاح‌ها در صورتی که منافعشان اقتضاء کند، هیچ ابایی ندارند، احتمال پدیدآمدن شرایط اضطرار، «کالمعدوم» نیست. ثانیاً این احتمال، موجب می‌شود که به‌حکم آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» و تعلیل به‌کاررفته در ذیل آیه، تولید و انباشت این سلاح‌ها به‌خاطر لزوم آمادگی و تجهیز نظامی، و همچنین ترساندن کفار و جلوگیری از حمله احتمالی دشمن، واجب باشد (و نقش مهم انباشت این سلاح‌ها در

پیش‌گیری از وقوع این خطرات احتمالی، غیرقابل انکار است)، در حالی که ظاهراً مقام معظم رهبری قائل به حرمت تولید و انباشت نیز هستند.

بنابراین به نظر می‌رسد قول به حرمت مقید این سلاح‌ها به فرض عدم اضطرار، و همچنین لزوم تولید و انباشت آنها با حفظ ضوابط امنیتی، دیدگاه صحیح در این زمینه خواهد بود.

## نتیجه

استفاده از سلاح کشتار جمعی به‌هنگام اضطرار و استفاده دشمن از آن علیه اجتماع اسلامی، و توقف نجات جامعه در به‌کارگیری آن، به مقتضای ادله فقهی، جایز است؛ و نظریه حرمت استفاده از این سلاح‌ها حتی به منظور مقابله به‌مثل، دیدگاه صحیحی نخواهد بود.

به مقتضای ادله مذکور در این نوشتار، و همچنین توجه به روح تعالیم اسلامی، و اهمیتی که جامعه اسلامی و حفظ کیان آن در نظر شارع مقدس دارد، و همچنین توجه به رهیافت تراکم ظنون، می‌توان با اطمینان، قول به جواز استفاده از این سلاح‌ها در صورت استفاده دشمن از آن، و انحصار نجات جامعه در به‌کارگیری آن را پذیرفت.

ثمره بحث: اگر در صورت اضطرار، قائل به جواز شدیم، تولید و انباشت این سلاح‌ها نیز جایز، بلکه واجب خواهد بود؛ و آیه شریفه «و أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به اطلاقش، ظهور در جواز، بلکه لزوم تولید و انباشت سلاح کشتار جمعی، به منظور آمادگی نظامی، إرعاب دشمن و پیشگیری از حمله احتمالی آنها دارد؛ که با حکم عقل به لزوم ترجیح مصلحت أهم، نیز همسو است.

از نتایج ثانویه این بررسی، لزوم رویکرد اجتماعی و حکومتی به فقه، بر پایه همان اصول فقه سنتی و جواهری است؛ به‌طوری‌که می‌توان مدعی شد، نبود چنین رویکردی، ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری بر پیکره انقلاب اسلامی، و زمینه‌سازی برای تمدن نوین اسلامی و طلوع خورشید ولایت عظمی، وارد آورد.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- افضل زاده، رضیه؛ رهبر، مهدی؛ به کارگیری سلاح کشتار جمعی از منظر فقه و حقوق بین الملل، مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، ش ۱۹، ۱۳۹۶.
- امام خامنه‌ای، سید علی، پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه، ۱۳۸۹/۰۱/۲۷.
- امام خمینی، سید روح‌الله، الرسائل العشره، قم، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸.
- بجنوردی، حسن، منتهی الاصول، تهران، مؤسسه العروج، بی‌تا.
- بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، قم، دفتر معظم له، ۱۴۲۶ق.
- جمعی از محققان پژوهشگاه اسلامی، جهاد در آینه قرآن، قم، زمزم هدایت، ۱۴۲۸ق.
- جواد آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ش.
- حب‌الله، حیدر، دراسات فی الفقه الاسلامی المعاصر، قم، دار الفقه الاسلامی المعاصر، ۲۰۱۱.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حسینی شیرازی، محمد، الفقه، القواعد الفقهیة، بیروت، الدار الثقافی الحسینی، ۱۴۱۴ق.
- حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
- خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، قم، مؤسسه إحياء الآثار الامام الخوئی، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
- راغب، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، به کوشش ندیم مرعشلی، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا.
- ربانی، مهدی، روحانی، عباسعلی، بررسی ادله جواز یا حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، مجله فقه اصول، ش ۱۲۳، ۱۳۹۹.
- روحانی، محمدصادق، زبده الاصول، تهران، حدیث دل، ۱۳۸۲.
- صدر، سید محمد، المؤلفات الکامله، بیروت، مؤسسه إحياء الكتب الاسلامیه، ۱۴۲۷ق.
- صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، تقریرات حسن عبدالساتر، بیروت، الدار الاسلامیه، بی‌تا.

- طباطبایی حکیم، محمدسعید، **الكافی فی اصول الفقه**، بیروت، دارالهلال، ۱۴۲۸ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه اعلی، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۵.
- طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_، **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
- عاملی، زین الدین بن علی، **حاشیه الارشاد**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- عاملی، محمد بن مکی، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**، زین الدین عاملی مع **حاشیه سلطان العلماء**، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۸.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد، **تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی**، مجله حقوق اسلامی، ش ۳۹، ۱۳۹۲ش.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف، **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
- \_\_\_\_\_، **ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار**، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی‌تا.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، **قواعد الفقه**، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- وحید خراسانی، حسین، **منهاج الصالحین**، قم، مدرسه امام باقر (ع)، ۱۴۲۸ق.
- ولایی، عیسی، **قواعد فقهی**، قم، نشر اندیشه مولانا، ۱۳۹۲.
- یزدی، محمد، **فقه القرآن**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

